

اهداف و استراتژی ترکیه در شمال عراق و رویکردهای دولت‌های منطقه نسبت به آن

سید شمس‌الدین صادقی*

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، ارائه‌ی چارچوبی تحلیلی برای فهم رفتار سیاسی ترکیه در شمال عراق و رویکرد دولت‌های منطقه (ایران، عراق و سوریه)، نسبت به آن می‌باشد. از نگاه نویسنده، ترکیه، دو دسته از اهداف را در شمال عراق، دنبال می‌نماید: ۱. اهداف فوری و کوتاه مدت (سرکوب حزب کارگران کرد ترکیه)؛ ۲. اهداف استراتژیک و بلند مدت (تغییر در جغرافیای سیاسی و موقعیت ژئوپلیتیکی کردستان؛ دستیابی به منابع ژئواکونومیک در مناطق موصل و کرکوک). تلاش نویسنده در این مقاله، ضمن تبیین مسأله‌ی مذکور، یافتن پاسخی مناسب به دو پرسش ذیل می‌باشد:

۱. ترکیه چه استراتژی و اهدافی را در شمال عراق، دنبال می‌کند؟

۲. واکنش و رویکرد دولت‌های منطقه (ایران، عراق، سوریه، نسبت به اهداف و استراتژی ترکیه در شمال عراق چیست؟

کلیدواژه‌ها

رفتار سیاسی، رویکرد، استراتژی، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک.

* دانشجوی دوره‌ی دکترای علوم سیاسی گرایش مطالعات ایران

Email: ssadeaghi@razi.ac.ir:

تاریخ پذیرش: ۸۷/۹/۲۳

تاریخ ارسال: ۸۷/۵/۲۲

فصلنامه راهبرد / سال هفدهم / شماره ۴۹ / زمستان ۱۳۸۷، صص ۶۷-۸۰

درآمد

هدف از نگارش این مقاله ارائه چهارچوبی تحلیلی برای پاسخ به دو پرسش ذیل می‌باشد:

۱. ترکیه چه استراتژی و اهدافی را در شمال عراق دنبال می‌کند؟

۲. واکنش و رویکرد دولت‌های منطقه (ایران، عراق، سوریه) نسبت به اهداف و استراتژی ترکیه در شمال عراق چیست؟

پس از مدت‌ها، تردید، صبر و انتظار، سرانجام در مارس ۲۰۰۸ میلادی، پارلمان ترکیه، مجوز حمله به شمال عراق را صادر نمود؛ بلافاصله دولت اسلام‌گرای رجب طیب اردوغان، فرمان مذکور را به ستاد ارتش ترکیه، ابلاغ، و ارتش ترکیه نیز با تجهیز بیش از یکصد هزار نفر از نیروهای خود و آرایش جنگی آنان در خطوط مرزی با عراق، شمال عراق را مورد حمله و یورش گسترده قرار داد. حمله مزبور، بلافاصله بازتاب گسترده‌ای را در رسانه‌های منطقه‌ای و نیز جهانی، به دنبال داشت و ذهن محافل و تحلیلگران سیاسی و نیز دول منطقه و قدرت‌های فرا منطقه‌ای را به خود معطوف نمود. به راستی ترکیه چه مصالح و منافع را در شمال عراق جست‌وجو می‌کند که هر از گاهی آن دیار را مورد تاخت و تاز خود قرار می‌دهد؟ آیا واقعاً در حال حاضر، کانون و منشأ بحران، در شمال عراق، متمرکز می‌باشد و یا نه، بخشی از

زوایای ناشناخته معمای این بحران، ریشه در بحران‌های سیاسی و اقتصادی داخلی ترکیه و از جمله بالا رفتن میزان تنش و کشمکش بین سکولارها (یا همان وفاداران به قانون اساسی ترکیه و میراث آتاتورک) و دولت اسلام‌گرای اردوغان دارد؟ هرچند که اختلافات و منازعات ارضی و مرزی ترکیه با شمال عراق، ریشه در قراردادها و معاهدات سال‌های پایانی پس از جنگ جهانی اول دارد؛ اما به نظر می‌رسد شرایط پیش آمده برای ترکیه در بعد سیاست داخلی و قبال مردم این کشور به اسلام‌گرایان و مشی حزب عدالت و توسعه، و نیز تثبیت پایه‌های اقتدار رهبران این حزب در ارکان و نهادهای حکومتی، قانونگذاری، دستگاه قضایی و نیز انتخابات شهرداری‌ها؛ و نیز رویارویی سکولارها با روند مزبور، بی‌تأثیر در شکل‌گیری بحران اخیر در شمال عراق، نبوده است.

با توجه به توضیحات بالا، در این مقاله، مطالب ارائه شده را در دو مبحث ارائه خواهیم نمود: در مبحث اول، اهداف و استراتژی ترکیه را در شمال عراق، مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ سپس در مبحث دوم، واکنش دولت‌های منطقه (ایران، عراق، سوریه) و رویکرد آنان را نسبت به تحولات و رویدادهای اخیر، بررسی خواهیم نمود.

اهداف و استراتژی ترکیه در شمال عراق

۱. مهم ترین اهداف ترکیه در شمال عراق

اهداف دولت ترکیه را در این خصوص می توان به دو دسته، تقسیم نمود:

۱-۱. اهداف فوری و کوتاه مدت

۱. سرکوب چریک های حزب کارگران کرد ترکیه (پ.ک.ک)، مستقر در شمال عراق؛

۲. از میان بردن اردوگاه ها و توان پشتیبانی آنها در این منطقه؛

۳. جلوگیری از ایجاد یک منطقه آزاد در این ناحیه و ممانعت از نفوذ چریک های کرد به داخل خاک ترکیه؛

۴. نشان دادن عزم قاطع دولت ترکیه در مبارزه با «تروریسم» به جامعه بین المللی.^(۱)

۲-۱. اهداف استراتژیک و بلندمدت

۱. تغییر در جغرافیای سیاسی و موقعیت ژئوپلیتیکی کردستان؛

۲. دستیابی به منابع «ژئواکونومیک» در مناطق موصل و کرکوک.^(۲)

در توضیح مقاصد و اهداف فوری و کوتاه مدت ترکیه باید گفت: ترکیه از جمله کشورهای خاورمیانه است که بیش از همه، نگران تمامیت ارضی خود است؛ پاره ای از تحلیلگران سیاسی، دلایل اصلی این احساس ناامنی را هم در مسئله کردها، وهم در ماهیت معاهدات گذشته این کشور، مانند معاهده ۱۹۲۰

«سور»^۱، و نیز معاهده «لوزان» (۱۹۲۳)، می دانند که تمامیت ارضی این کشور را مخدوش می سازد.^(۳) هرچند که مسئله کرد و کردستان، یک مسئله تاریخی است و ریشه های استقلال طلبی و خودمختاری آنان به سال های پایانی عمر امپراطوری عثمانی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر می گردد؛ اما پایان جنگ سرد در روابط دو ابر قدرت (۱۹۹۰) و متعاقب آن فروپاشی شوروی؛ برهم خوردن موازنه و معادله قدرت در منطقه خاورمیانه و نیز پدیده جهانی شدن^۲ که در پاره ای از مناطق جهان، سبب ایجاد بحران «هویت و معنا» و «خاص گرایی فرهنگی» می شود^(۴)؛ قوم گرایی را دامن زده و تلاش در جهت یک هویت خالص و ناب را، رسالتی تاریخی قلمداد می نماید^(۵)؛ سبب دوباره مطرح شدن و بزرگ نمایی شدن مسئله کرد و کردستان در جنوب ترکیه گردیده است.

تحولات پیش آمده در بالا، آثار معکوسی را هم بر رفتار سیاسی زمامداران دولت ترکیه وهم بر اقوام کرد ساکن در این کشور برجای نهاد: درخصوص دولت ترکیه، بروز اندیشه های قوم گرایانه رهبران این کشور را دامن زد (پان ترکیسم) که نماد بارز آن، «تورگوت اوزال» بود؛ وی وزارت خارجه ترکیه را به فعالیت بیشتر در

1. Sevres

2. Globalization

صحنه بین‌المللی، تشویق می‌کرد؛ اندیشه ترکان متحد را مدنظر داشت و در مورد نقش جدید ترکیه، بر این باور بود که: «قلمرو ترکیه، از دریای آدریاتیک تا دیوار بزرگ چین است و چنانچه ترکیه بتواند از قدرت بالقوه خود، استفاده کند، در آینده به یکی از پنج یا شش کشور قدرتمند جهان، تبدیل خواهد شد.»^(۶)

از سوی دیگر، تحولات پیش آمده، سبب مطرح شدن مطالبات معوق کردهای این کشور، که دولت ترکیه آنان را ترک‌های کوهستان می‌نامد، گردیده است. گروه‌های جدایی طلب کرد در جنوب این کشور، همواره رؤیای خودمختاری، استقلال و تشکیل کشور کردستان را در سر می‌پرورانده‌اند و برای دست یافتن به اهداف خود، پیوسته، دو راهکار را در پیش گرفته‌اند:

۱) فعالیت سیاسی (اعم از قانونی و وزیرزمینی) به قصد فدرالیزه نمودن نظام سیاسی کشور خود؛

۲) تحریکات نظامی، مبارزه مسلحانه و طراحی و اجرای عملیات نظامی، علیه حکومت مرکزی این کشور.^(۷)

از نگاه ترکیه، سرنگونی رژیم صدام حسین و افزایش نقش و جایگاه کردها در حکومت عراق و تحولات داخلی جدید عراق، باعث تغییرات اساسی و جدی محیط سیاسی-امنیتی خاورمیانه

و مناطق پیرامونی ترکیه و از جمله، محیط داخلی عراق به عنوان یک همسایه مؤثر بر امنیت ملی ترکیه شده است. ترکیه، احساس می‌کند که محیط جدید، تهدیدات جدید و جدی تری را علیه امنیت ملی این کشور، به وجود آورده است. لذا، به افزایش نقش و حضور کردها در ساختار سیاسی جدید عراق با نگرانی می‌نگرد و بیم دارد که پس از تحولات عراق، با کردهای کشور خود، دچار مسئله و مشکل بیشتری شود. بنابراین از دیدگاه ترکیه، جلوگیری از افزایش نقش و جایگاه کردها در دولت مرکزی عراق و جلوگیری از تثبیت و اجرای طرح فدرالی شدن، که کردهای عراق در پی آن هستند، یک ضرورت جدی است؛ زیرا کردهای تأثیرگذار در حکومت عراق، نظیر جلال طالبانی و مسعود بارزانی و هشیار زیباری، در حال پی‌گیری تحقق اهداف و آرمان‌های کردها در حکومت جدید هستند و انکار این امر را، مقدمه تقویت هویت سیاسی مستقل کردهای عراق و در مرحله بعد، تشکیل دولت مستقل کرد، تلقی می‌کند.^(۸)

درخصوص اهداف استراتژیک و بلندمدت ترکیه در شمال عراق باید گفت: از جمله علل و انگیزه‌های ترکیه برای دست اندازی به شمال عراق، اهمیت استراتژیک و به ویژه اهمیت «ژئواکونومیک»، این منطقه است.

شمال عراق از نظر ذخایر نفتی، بسیار غنی

است. در شرایط نوین جهانی، مناطقی که سرشار از منابع اقتصادی هستند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ لذا می‌توان گفت که موقعیت ژئواکونومیکی شمال عراق، اهمیتی همپای موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه، پیدا نموده است؛ و از آنجا که ترکیه، فاقد ذخایر نفتی قابل توجه است و نیازهای نفتی خود را، بیشتر از خارج، وارد می‌کند، همواره به همسایگان خود که از تولیدکنندگان عمده نفت هستند، با دیده حسرت می‌نگرد؛ حساسیت موضوع، بیشتر از این جهت است که استان «موصل» که از مناطق نفت خیز شمال عراق به شمار می‌رود، در گذشته، بخشی از ترکیه بوده است؛ بنابراین، حمله ترکیه به شمال عراق، تحت عنوان سرکوب چریک‌های جدایی طلب پ.ک.ک، تمام ماجرا نبوده، بلکه پیشینه‌ای تاریخی دارد. در تأیید این مدعا، همین بس که «سلیمان دمیرل»، رئیس‌جمهور وقت ترکیه در مه ۱۹۹۵، خواستار تجدید نظر در مرزهای این کشور با عراق برای سد کردن عبور «تروریست‌ها» و جدا شدن بخشی از خاک عراق و الحاق آن به ترکیه گردید؛ وی همچنین به استان موصل، اشاره کرد و گفت که ترکیه در «معاهده لوزان»، حاضر به واگذاری این منطقه به عراق، نبوده است؛^(۹) لذا این استان نفت خیز، هنوز متعلق به ترکیه است، چرا که در پیمان ۱۹۲۳ لوزان، بند و ماده‌ای وجود ندارد که حاکی

از پیوستگی آن به خاک عراق باشد؛ لذا وی اعلام نمود: بعد از این همه تحولات، خاورمیانه، دیگر نمی‌تواند خاورمیانه سابق باشد و نقشه جغرافیایی و موازنه سیاسی منطقه، تغییر خواهد نمود؛ بنابراین، ترکیه در توسعه مرزی خاورمیانه، در روند ساختار نظام نوین جهانی، نقش عمده‌ای، ایفا خواهد کرد.^(۱۰)

۲. با توجه به رویکردهای زمامداران ترکیه نسبت به شمال عراق، به خصوص در طی دهه گذشته، مهم‌ترین استراتژی‌های این کشور را می‌توان چنین برشمرد:

۱. یک دولت مستقل کرد در شمال عراق، تأسیس خواهد شد؛ اما چون قادر نخواهد بود روی پای خود بایستد، دولت ترکیه، وظیفه حمایت از آن را برعهده خواهد گرفت. به عبارتی، کردستان عراق به صورت تحت‌الحمایه ترکیه در خواهد آمد؛ لازم به ذکر است وزیر امور خارجه اسبق ترکیه، این مسئله را مورد تأیید قرار داده است.

۲. یک کردستان مستقل، مشتمل بر کردستان عراق و ترکیه، تأسیس خواهد شد؛ براساس این سناریو، در مقابل تجزیه مناطق کردنشین ترکیه از آن کشور، سهمی از مناطق نفت خیز شمال عراق به ترکیه،

اختصاص خواهد یافت تا بتواند تا حدودی از بار منفی این ضربه به دولت ترکیه، بکاهد. لازم به ذکر است که سناریوی مذکور، چندان باب طبع زمامداران ترکیه نیست؛ زیرا هرچند که براساس این راهبرد، ترکیه، موصل را به دست می‌آورد، اما مایل به از دست دادن مناطق کرد نشین کشور خود نیست.

۳. راهبرد حفظ تمامیت ارضی ترکیه و الحاق مناطق شمالی عراق به آن کشور؛ لازم به ذکر است که تا قبل از فروپاشی نظام بعثی و سقوط صدام حسین در عراق، رئیس «سازمان سیای» امریکا، از طرح مزبور، حمایت می‌کرد. ادعای سلیمان دمیرل، مبنی بر تغییر مرزها و تعلق موصل به خاک آن کشور، در راستای همین سناریو، قابل ارزیابی است.^(۱۱)

۳. نقش بحران‌های داخلی ترکیه در اقدامات

نظامی اخیر این کشور در شمال عراق

۱-۳. به باور پاره‌ای از تحلیلگران سیاسی، دولت اسلام‌گرای رجب طیب اردوغان، برای برون رفت از چالش‌های چند مجهولی ترکیه، با مشکلات زیادی روبه‌رو است؛ جدای از تهدیدهای تروریستی از سوی گروه پ.ک.ک، احزاب سکولار این کشور نیز که البته از نفوذ

زیادی برخوردار هستند، با فشار وارد آوردن به اردوغان و حزب عدالت و توسعه، سعی در سقوط دولت وی دارند. احزاب سکولار این کشور، به شدت از نتایج انتخابات ترکیه که به پیروزی حزب عدالت و توسعه، منجر شد، خشمگین هستند. آنها (سکولارها)، سعی می‌کنند تا با بهره‌برداری ابزاری از هر مشکل، دولت اردوغان را ضعیف و شکننده، جلوه دهند.

در تازه‌ترین تحولات سیاسی ترکیه، پس از آزادی رعایت حجاب در دانشگاه‌های سراسر این کشور، احزاب سکولار، سعی بر آن داشتند تا دولت اردوغان را دولتی مرتجع، معرفی کنند؛ هرچند که اقدام آنان، با حمایت گسترده مردمی از دولت اردوغان، مواجه شد.^(۱۲)

۲-۳. با توجه به اینکه، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، نیاز مبرمی به آراء کردها و اسلام‌گرایان کشور، برای انتخابات آتی این کشور دارد، این ریسک را پذیرفت که یک جنگ تمام عیار را علیه شورشیان کرد پ.ک.ک، رهبری کند. بسیاری از کارشناسان مسائل سیاسی بر این باورند که اردوغان، خود و حزب متبوعش یعنی حزب عدالت و توسعه را فدای مصالح کشور کرد؛ در بسیار از محافل سیاسی ترکیه از اردوغان به عنوان یک قهرمان ملی نام می‌برند.

۳-۳. اردوغان، به شدت ناسیونالیست است؛ او

بسیاری از مدارس کردهای ترکیه را مجبور کرده است که دانش‌آموزان را به زبان ترکی، عادت دهند؛ وی دستور داده که کلیه متون درسی ترکیه باید واحد باشد و به زبان ترکی استانبولی، نگارش شود. پایمردی و قدرت اردوغان در صحنه سیاسی ترکیه، باعث شده که ژنرال‌های ارتش نیز که اکثراً سکولار هستند، در قبال تصمیم دولت، مبنی بر لغو ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها و در قبال حمله به شمال عراق، سکوت اختیار کنند.

۳-۴. بسیاری از کارشناسان سیاسی بر این باورند که شاید اردوغان با حمایت بی‌چون و چرا از آموزه‌های اسلام و بسط دادن دین در میان کردهای ترکیه به شکل جدید، در برابر آن‌ها می‌ایستد. اردوغان، اسلام را تنها راه نجات ترکیه و خروج این کشور از بحران می‌داند. طرفداران و مشاوران وی و حزب عدالت و توسعه، به قدری در بدنه سیاسی ترکیه، ریشه دوانده‌اند که حتی نسبت به موفقیت در انتخابات سال آینده شهرداری‌ها در استان «دیاربکر»، که بزرگ‌ترین استان کردنشین کشور است، امیدوارند. اگر حزب عدالت و توسعه، موفق به پیروزی در انتخابات دیاربکر شود، ضربه بسیار سختی به پیکر احزاب تندروی کرد ترکیه، وارد خواهد ساخت.^(۱۳)

واکنش دولت‌های منطقه و رویکرد آنان نسبت به اهداف و استراتژی ترکیه در شمال عراق

۱. موضع دولت ایران

تحلیل منافع و مواضع ایران، نسبت به بحران شمال عراق را شاید بتوان تابع متغیرهای ذیل دانست:

۱. نگاه ساختاری جمهوری اسلامی ایران، به جایگاه شمال عراق در امنیت ملی ایران؛
 ۲. استراتژی جمهوری اسلامی ایران، در قبال ترکیه به عنوان همسایه‌ای با ویژگی‌های خاص (عضو ناتو، دارای روابط اقتصادی گسترده با ایران)؛
 ۳. چشم‌انداز چالش‌های کلان ایران و امریکا؛ آینده و رقابت‌های ایران و امریکا در عراق و جایگاه پژاک^(۱۴) و سازمان مجاهدین خلق در منازعات ایران و امریکا؛
 ۴. مثلث استراتژیک در روابط ایران و ترکیه؛ ترکیه - امریکا؛ ایران - امریکا؛
 ۵. روابط ایران و کردهای عراق و نسبت آن به ثبات و ماندگاری دولت ائتلافی عراق به عنوان دولت مورد حمایت ایران.^(۱۵)
- هر چند که منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران، در روز ۲۸ اکتبر ۲۰۰۷، در حضور هم‌تای ترک خود که برای کسب حمایت تهران، برای برخورد با نیروهای پ.ک.ک، به تهران آمده بود؛

گفت: جمهوری اسلامی ایران، اقدامات اخیر تروریستی توسط گروه پ.ک.ک، در ترکیه را محکوم و بر ضرورت اقدامات لازم برای توقف اینگونه عملیات تروریستی و مقابله با تروریسم، تأکید دارد؛ فرقی نمی‌کند که با نام پ.ک.ک، پژاک، منافقین باشد، یا هر گروه دیگر؛ با این وصف، جمهوری اسلامی ایران، تلاش می‌کند تا ضمن میانجیگری برای دو همسایه، خود را از شرایط بین‌المللی که با آن مواجه است، از طریق همکاری با ترکیه، که روابط خوبی با غرب دارد، تا حدودی رها سازد؛ اما مسئله و معما در اینجا این می‌باشد که سکوت تهران در برابر حمله ترکیه به شمال عراق، باعث سرد شدن روابط این کشور با دولت عراق می‌شود که مواضعی نزدیک با جمهوری اسلامی ایران، دارد و مخالفت با آن نیز تهران را از فرصتی که برای نزدیکی با آنکارا - در روزهای تنش زای میان ترکیه و آمریکا- فراهم آمده، محروم می‌سازد.^(۱۶)

۱. حمایت ایران از ائتلاف کردها با شیعیان برای ماندگاری دولت مالکی در مقابل تمایل ترکیه برای سقوط دولت: ترکیه مانند کشورهای عربی از همکاری دو جریان اصلی کرد عراق با دو حزب شیعی «مجلس اعلا» و «حزب الدعوة»، به عنوان مبنای اصلی دولت کنونی عراق، حمایت نمی‌کند؛ لازم به ذکر است کشورهای عربی، در صدد سرنگویی دولت مالکی و تقویت هویت اعراب سنی در دولت عراق و نیز تقویت جایگاه شیعیان سکولار بوده و هستند. حمایت بارزانی و طالبانی از ادامه فعالیت دولت مالکی، به شدت ترکیه و کشورهای عربی را ناراحت و خشمگین کرده و آن‌ها در صدد هستند تا احزاب کوچک‌تر کردستان عراق را علیه بارزانی و طالبانی، سازماندهی کنند. در همین چهارچوب، شایعه اعلام موجودیت تشکل جدیدی را با عضویت جماعت اسلامی کردستان و احزابی نظیر زحمتکشان و سوسیالیست‌ها،

پ.ک.ک، ناچار است نظر دولت ایران را جلب کند و به آن نیازمند است؛ اما نگرانی دولت ایران از عملیات نظامی ترکیه در شمال عراق، ناشی از این مسئله می‌باشد که این حملات می‌تواند مقدمه‌ای جهت قدرت‌گیری و همکاری ترکیه با اسرائیل و آمریکا در مسیر تحریک اقلیت‌ها در ایران باشد؛ علاوه بر این، تهران مایل نیست در

مطرح کرده‌اند که قرار است گرایش‌های ضدطالبانی و بارزانی داشته باشند.^(۱۸)

۲. دیدگاه منفی سنتی ترکیه به کردهای عراق در مقابل روابط دوستانه ایران و کردهای عراق در سه دهه اخیر: مشکل ترکیه با کردها، مشکلی تاریخی است؛ تا آنجا که آنکارا، هویت کردها را به رسمیت نمی‌شناسد و از آن‌ها با نام «ترک کوهستانی»، یاد می‌کند؛ حال آنکه کردها خود را از نژاد آریایی می‌دانند و از اساس، مشکل بنیادی امنیتی، چنانکه برای ترکیه مطرح است، برای ایران، محسوب نمی‌شوند؛^(۱۹) علاوه بر آن، کردهای عراق، همواره به داشتن روابط مستحکم با ایران، ابزار تمایل، کرده‌اند.^(۲۰)

۲. موضع دولت عراق

دولت‌های عراق و ترکیه در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷، توافق نامه‌هایی را امضاء کردند که بر همکاری دو کشور در مبارزه با شورشیان کرد پ.ک.ک، تأکید دارد؛ نخست وزیر عراق، نوری المالکی، اعلام نمود که دولت متبوعش، یک هیئت بلند پایه امنیتی و سیاسی را برای بحث و گفت‌وگو درباره بحران ایجاد شده میان دو طرف به آنکارا اعزام می‌کند و بر اهمیت فعال‌سازی کمیته مشترک سه جانبه عراق، امریکا و ترکیه و اجرای

توافق نامه‌های مشترک امضاء شده میان دو کشور، تأکید نمود.^(۲۱) در همین راستا، در اکتبر ۲۰۰۷، یک هیئت عراقی که ریاست آن را عبدالقادر جاسم، وزیر دفاع، و شیروان الوائلی، وزیر امنیت ملی این کشور برعهده داشت، در سفر به ترکیه و مذاکره با مقامات ترک، پیشنهاد داد که پاسگاه‌های مرزی عراق با ترکیه، بازسازی، تجهیز و مسلح شوند تا بدین طریق، مانع از ورود شورشیان کرد به عراق گردند. هیئت عراقی، همچنین پیشنهاد داد که یک کمیته فنی برای پیگیری و هماهنگی اقدامات نظامی که مقرر آن در منطقه کردستان باشد، تشکیل شود. با این وصف، وزارت امور خارجه ترکیه از «نیت خیرخواهانه» عراق به منظور حل و فصل مشکل حزب کارگران کردستان ترکیه از راه مسالمت آمیز، تجلیل کرد؛ ولی در عین حال، پیشنهادهای ارائه شده از سوی هیئت امنیتی عراق در این زمینه را رد نموده و آن را راضی کننده، ندانست.^(۲۲)

هر چند که وزارت کشور عراق، اعلام نمود ورود ارتش ترکیه به خاک این کشور، بدون موافقت دولت عراق، امکان پذیر نیست و هشدار داد در صورت نفوذ نیروهای نظامی ترکیه به خاک عراق، این تجاوز به تمامیت ارضی عراق، محسوب می‌شود؛^(۲۳) و هر چند که رهبران کرد عراقی بر این باورند که دولت مرکزی آنکارا

باید با پ.ک.ک، کنار بیاید و آن‌ها را از حداقل حقوق سیاسی و شهروندی، بهره‌مند سازد؛^(۲۴) اما شروط دولت ترکیه برای عدم ورود به خاک عراق، نقطه‌گرانیگاه بحران در روابط دو کشور، و شکسته شدن غرور ملی عراقی‌ها، قوم کرد و رهبران عراقی است؛ امری که تحقق آن محال و تداوم آن، سبب تیره شدن روابط و آب‌هام در مناسبات دو کشور در آینده نیز خواهد گردید.^(۲۵)

۳. موضع دولت سوریه

دولت سوریه نیز همانند دولت‌های ترکیه، عراق و ایران، نسبت به مسئله تحولات شمال عراق و گروه‌های قومی و نیز آسیب‌پذیری در برابر اقدامات تروریستی، وضعیتی مبتلا به دارد. تحلیل مواضع و منافع سوریه، نسبت به بحران شمال عراق را شاید بتوان تابع متغیرهای ذیل دانست:

۱. نوع و سطح روابط ترکیه و همکاری‌های نظامی، دفاعی و امنیتی این کشور با اسرائیل؛^(۲۶)

۲. هیدروپلیتیک و بحران آب در روابط سوریه با ترکیه؛^(۲۷)

به عبارتی، هرچه بر توسعه و تحکیم روابط ترکیه با اسرائیل، افزوده شود، ما شاهد «رویکرد سلبی» سوریه نسبت به حمایت و یا عدم حمایت از شورشیان کرد پ.ک.ک، و نیز واگرایی، در

روابط دو کشور خواهیم بود؛ شاید این رویکرد را بتوان مصداق این جمله معروف دوست دشمن من، دشمن من است؛ دانست. همچنین نوع و سطح همکاری ترکیه درخصوص نحوه و میزان بهره‌برداری از سرچشمه‌های رودخانه فرات، که در حال حاضر، با احداث سد بزرگ آتاتورک، مسدود گردیده است، می‌تواند تعیین‌کننده نوع همکاری و تعامل و گاهی نیز تقابل در روابط دو کشور گردد.

در توضیح مطالب فوق باید افزود، هنگامی که دولت «بولنت اجویت» در سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ میلادی، دچار بحران اقتصادی و سیاسی فزاینده‌ای شده بود و بستر برای فعالیت گروه‌های سیاسی طیف چپ (عمدتاً با گرایش مارکسیست - لنینیست)، فراهم گردیده بود؛ سازمان پ.ک.ک، موجودیت خود را در سال ۸۰-۱۹۷۹، اعلام نموده و سریعاً عملیات نظامی خود را علیه زمین‌داران بزرگ در ترکیه، آغاز نمود. در این زمان، دولت ترکیه، درگیر مسئله قبرس بود و به رغم اعلام حکومت نظامی در کردستان، نتوانست بحران را در این منطقه، مهار کند؛ در چنین شرایطی، ژنرال‌های ترکیه، دست به کودتا زدند و متعاقب این کودتا، احزاب و گروه‌های سیاسی، به ویژه طیف چپ، ممنوع شده و بسیاری از رهبران آن‌ها، دستگیر شدند؛ در این

هنگام، عبدا... اوجالان (معروف به آپو)، به همراه جمع کثیری از همفکران خود به سوریه فرار کرد و توانست با کمک دولت سوریه، اردوگاه‌های آموزشی نظامی خود را در لبنان به وجود آورد. در سال ۱۹۸۴، در پی یک رشته عملیات نظامی، نیروهای پ.ک.ک، موفق به اشغال دو پاسگاه مرزی ترکیه شدند و بدین ترتیب آغاز جنگ مسلحانه را اعلام نمودند سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۴، مناطق کردنشین ترکیه، صحنه نبردی می‌شود که جز فلاکت و بدبختی، چیزی را برای ساکنان آن نواحی، به ارمغان نمی‌آورد.^(۲۸)

در سال ۱۹۸۹، روزنامه‌های ترکیه، اعترافات یکی از فعالان حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) را منتشر ساختند که گفته بود: اتحاد شوروی، مغز متفکر عملیات چریکی در جنوب شرقی خاک ترکیه بوده و با سوریه و حزب کارگران کردستان، یک اتحاد سه‌گانه را علیه ترکیه، تشکیل داده‌اند؛ انتشار این خبر، بحران را در روابط ترکیه با سوریه، تشدید نمود.^(۲۹) با فروپاشی شوروی و بلوک شرق و برهم خوردن موازنه قدرت در نظام جهانی و از هم گسیخته شدن بسیاری از اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی، ایدئولوژیکی، نظامی، دفاعی و امنیتی در سراسر جهان؛ به تبع، سوریه نیز یکی از بزرگ‌ترین متحدان بین‌المللی خود را در منطقه از دست داد؛ با این وصف، این کشور جهت گرفتن پاره‌ای

از امتیازات و همچنین حل و فصل منازعات مربوط به بحران آب در روابط دوکشور، سعی نمود تا از گزینه عبدا... اوجالان، به عنوان یکی از برگ‌های برنده کارت‌های بازی خود، بهره گیرد؛ اما با تشدید عملیات تروریستی در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰، که پ.ک.ک، از خاک سوریه، آن را سازماندهی می‌کرد؛ دولت ترکیه که به موقعیت مناسبی در عرصه بین‌المللی، دست یافته بود، سرانجام با اعلان اولتیماتومی، دولت سوریه را برای تسلیم رهبران پ.ک.ک و در رأس آن عبدا... اوجالان، تحت فشار قرار داد؛ دولت سوریه که از جدی بودن نیت آنکارا و حمایت امریکا از این اولتیماتوم، اطلاع یافته بود، راهی جز تسلیم نیافته بود؛ سرانجام اوجالان (آپو) را از سرزمین خود، اخراج نمود.^(۳۰)

در سال ۲۰۰۲، هنگامی که امریکا در تدارک برای حمله به عراق و سرنگونی صدام حسین بود، سعی نمود تا دو کشور ترکیه و سوریه را نیز در جبهه ضدعراقی، در یک «اتحاد طبیعی»، همراه خود نگه دارد. پس از سرنگونی صدام و شکل‌گیری قانون اساسی و دولت جدید در عراق و نیز شکل‌گیری اقلیم کردستان و اداره آن در یک سازوکار طراحی شده فدرالیسم، دولت بشاراسد، ضمن نگرانی از تثبیت چنین مدلی در مرزهای خود و تأثیر بلندمدت آن در بیداری و برانگیخته شدن قوم کرد در آن کشور و نیز طرح

مطالبات معوق سیاسی، حقوقی و شهروندی از سوی آنان، اساس کار خود را بر همکاری و اشتراک منافع در حل و فصل مناقشات جنوب ترکیه، بنا نهاده و تا آنجا پیش رفته که در موضع‌گیری اخیر خود، آشکارا، از حمله تمام عیار ترکیه به شمال عراق، برای سرکوب پ.ک.ک، و حل و فصل دائمی این بحران، دفاع نموده است.^(۳۱)

فرجام

۱. همان‌گونه که ملاحظه گردید، ترکیه، یک مسئله بزرگ کرد؛ یک مسئله بزرگ منطقه جنوب شرق آناتولی و یک مسئله بزرگ ترور دارد. این سه مسئله، در آن واحد و به شکلی بسیار قدرتمند در مقابل ترکیه ایستاده‌اند؛ با اینکه با یکدیگر ارتباط دارند، اما یک مسئله واحد به شمار نمی‌روند و هر یک به طور غیرقابل باوری، ترکیه را خسته کرده و نیرویش را مستهلک نموده است.^(۳۲) از دیدگاه ترکیه، واگذاری قدرت به کردها در عراق، فرآیند ناخوشایندی است که از زمان نخستین جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، آغاز شده است؛ این امر، ترکیه را در برابر مطالبات جامعه کرد آن کشور که خواستار خود مختاری می‌باشند، آسیب پذیر می‌سازد. تحولات در عراق می‌تواند آثار سوئی بر پیوندهای استراتژیک نه چندان جا

افتاده بین ترکیه و اسرائیل، داشته باشد. برای مثال: چنین استدلال می‌شود که در حالی که ترکیه از ظهور یک دولت مستقل کرد در شمال عراق، هراس دارد؛ این احتمال برای اسرائیل از نقطه نظر امنیتی، مطلوب به نظر می‌رسد. بنابراین، ترکیه از احیای پیوندهای قدیمی میان اسرائیل و کردهای عراق که سابقه آن به اوائل دهه ۱۹۷۰، برمی‌گردد، نگران است؛ همچنین چشم‌انداز حضور نیروهای امریکایی در عراق در آینده قابل پیش بینی، نقش محوری ترکیه را به عنوان متحد اصلی امریکا و مقر پایگاه‌های عمده امریکا در منطقه، کاهش می‌دهد.^(۳۳)

۲. هرچند که از میان برداشتن پ.ک.ک، در حال حاضر، هدف مشترک ترکیه و دولت کنونی عراق می‌باشد؛ چرا که تنها سد مقابل پیشرفت روابط دیپلماتیک دو کشور، از نگاه رهبران ترکیه و عراق، همین عناصر مخرب می‌باشند؛^(۳۴) اما این، تمام ماجرا نیست؛ استراتژی ترکیه در شمال عراق، تلاش برای همراه کردن ایران و سوریه، علیه کردهای عراق در «مسئله کرکوک»، است. ترکیه در چهارچوب نگرش‌هایش به معادلات امنیتی و سیاسی عراق، درصدد ترغیب تهران و دمشق به همسویی با اهداف ترکیه و به طور خاص، تشکیل مثلی در مقابل فدرالیزه شدن کردستان عراق و آثار مترتب بر آن است.^(۳۵)

۳. همراهی و همسویی جمهوری اسلامی ایران،

با اهداف و استراتژی ترکیه در شمال عراق، منوط به همکاری و همراهی ترکیه در مسائل مشابه و مبتلا به در منطقه؛ و نیز بهره‌گیری از توان دیپلماسی و نفوذ ترکیه در محافل غربی و نیز نوع رویکرد ترکیه با امریکا، برسر مسائل تنش‌زا در روابط ایران و امریکا و از جمله مسائل هسته‌ای ایران، دارد. (۳۶)

۴. سوریه در حال حاضر، نسبت به اقدامات ترکیه در شمال عراق، رویکرد حمایت‌گرا، را در پیش گرفته و سعی نموده رفتار سیاسی خود را در مدار دیپلماسی ترکیه قرار داده و داده‌های سیاست خارجی خود را، متناسب با استراتژی آن کشور در شمال عراق، تنظیم نماید؛ اخراج عبدا... اوجالان از آن کشور و متعاقب آن تعطیلی دفاتر و اردوگاه‌های پ.ک.ک، در طی سال‌های گذشته؛ در همین راستا توجیه می‌شود.

دمشق، امیدوار است با انجام این اقدامات و همسویی با اهداف ترکیه در شمال عراق، ضمن کاستن از فشارهای اسرائیل و استفاده از نفوذ ترکیه در تلاویو، ضمن امیدوار شدن به باز پس‌گیری بلندی‌های جولان، از منابع آبی ترکیه و سرچشمه‌های فرات، در جهت تأمین نیازمندی‌های شهری، صنعتی و کشاورزی، بهره‌ بیشتری برده؛ مضافاً اینکه فشارهای امریکا را نیز تا حدودی تعدیل نماید.

به طور کلی، همان‌گونه که ملاحظه گردید،

حل مسئله پ.ک.ک؛ کردها در شمال عراق؛ مسئله کرکوک و موصل، تنها با تهدیدات و اقدامات قهرآمیز یک جانبه ترکیه، حل و فصل نخواهد گردید؛ نوع رویکرد قدرت‌های تأثیرگذار منطقه‌ای و از جمله ایران و سوریه، بسیار تأثیرگذار می‌تواند باشد؛ شاید به جرأت بتوان ادعا نمود که حل مشکلات ترکیه در شمال عراق، منوط به حل مشکلات و مسائل مبتلا به دیگر همسایگان ذی‌نفع نیز می‌باشد؛ اما این مطلب که قدرت‌های نافذ ماوراء منطقه، چگونه به این قضایا می‌نگرند و اینکه منافع ژئوپلیتیک آنان، چه نوع مدیریتی را در حل و فصل اختلافات و بحران موجود در منطقه، ایجاب می‌نماید، مطلبی است که پژوهش مستقل دیگری را طلب می‌نماید و باید نگاه به رویدادها و تحولات آینده در منطقه داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصغر جعفری ولدانی، «چشم‌داشت‌های ترکیه به شمال عراق»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، ص ۵۱.
۲. ر. ک: «اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کردستان در مناسبات بین‌الملل»، در سایت: <http://irma-a.blogspot.com>
۳. چنگیز پهلوان، «مناسبات ایران و ترکیه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۴-۱۳۳، صص ۳۱-۳۰.
4. Robertson, R. Globalization. Press: London, 1992, pp. 99-100.
۵. احمد گل محمدی، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشرنی، ۱۳۸۳، صص ۲۶۳-۲۵۵.

۶. سیامک کاکایی، «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، زمستان ۱۳۷۶، شماره ۱۴، ص ۶۸
۷. ر.ک: سید مرتضی میری، «ریشه‌های حمله ترکیه به شمال عراق»، در سایت: <http://www.aftabnews.ir>
۸. ر.ک: «بحران در روابط ترکیه و عراق بر سر پ.ک.ک»، در سایت: <http://www.kurdof.com>
۹. اصغر جعفری ولدانی، «چشمداشت‌های ترکیه به شمال عراق» ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۵-۹۶، صص ۶۲-۶۳.
۱۰. اصغر جعفری ولدانی، همان، شماره ۹۷-۹۸، ص ۵۴.
۱۱. همان؛ همچنین ر.ک: بخش دوم از کتاب: Geof simons, Future Iraq US policy in Reshaping the Middle East, press, saqiBooks, 2003.
۱۲. ر.ک: اکونومیست، «سرکوب پ.ک.ک و دورنمای روابط بغداد-آنکارا» ترجمه آرش میری خانی، روزنامه اطلاعات، ۱۲/۲۷/۱۳۸۶؛ همچنین ر.ک: بخش سوم از کتاب: Alon Liel, Turkey in the Middle East: Oil, Islam and Politics, London: lynne Rienner publishers, 2001.
۱۳. همان.
۱۴. پژاک (حزب حیات آزاد کردستان)، شاخه ایرانی پ.ک.ک است که بنا به ادعای خود برای ایجاد فدرالیسم در ایران، تلاش می‌کند و این کوشش را نیز از طریق حمله به مرز داران ایرانی و به شهادت رساندن آنها، پیگیری می‌نماید. ر.ک: «پ.ک.ک، ایران و ترکیه» در سایت: <http://tabriznews.ir>
۱۵. ر.ک: «بحران در روابط ترکیه و عراق بر سر پ.ک.ک»، همان.
۱۶. ر.ک: «موضع ایران در حمله ترکیه به عراق چیست؟» در سایت: <http://st.behesht.blog.com>
۱۷. ر.ک: «پ.ک.ک، ایران و ترکیه»، همان؛ همچنین ر.ک: رابرت السن، مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه، ترجمه ابراهیم یونس، تهران: پانید، ۱۳۸۰.
۱۸. ر.ک: «بحران در روابط ترکیه و عراق بر سر پ.ک.ک»، همان.
۱۹. همان؛ همچنین: موضع ایران در حمله ترکیه به عراق چیست؛ همچنین ر.ک: رابرت السن، همان.
۲۰. ر.ک: «کردهای عراق به داشتن روابط مستحکم با ایران، ابراز تمایل کردند»، در سایت: <http://www.aryanews.com>
۲۱. «بحران در روابط ترکیه و عراق بر سر پ.ک.ک»، همان.
۲۲. ر.ک: «ترکیه، پیشنهاد هیئت عراقی درباره نحوه برخورد با پ.ک.ک را رد کرد»، در سایت: <http://www.aftab.ir>
۲۳. همان.
۲۴. اکونومیست، همان.
۲۵. شروط دولت ترکیه عبارتند از: ۱. تسلیم برخی از رهبران حزب کارگران کردستان ترکیه به آنکارا؛ ۲. بستن دفاتر این حزب در شمال عراق؛ ۳. تحویل برخی از شخصیت‌های بلند پایه دولت کردستان عراق که به حمایت مالی و تسلیحاتی به حزب پ.ک.ک، متهم هستند؛ ۴. توقف عملیات برخی شرکت‌ها در شمال عراق که از حزب پ.ک.ک، حمایت مالی می‌کنند؛ ۵. مسدود نمودن منابع مالی حزب پ.ک.ک، در امریکا و اروپا؛ ۶. تحقیقات درخصوص چگونگی دستیابی حزب پ.ک.ک، به سلاح‌های آمریکایی.
۲۶. ر.ک: دیتیریش یونگ، ولفانگو پیکولی، «اتتلاف ناپایدار ترکیه و اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ۱۳۸۱، شماره ۱۳، صص ۲۳-۴۸.
۲۷. ر.ک: سیدشمس الدین صادقی، «هیدروپلیتیک و بحران آب: چالش‌های آینده در خاورمیانه و خلیج فارس»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱۵-۱۱۶، صص ۲۰۷-۲۰۰؛ همچنین ر.ک: گزارش و دیدگاه، «ترکیه و مسئله آب»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سوم، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱، صص ۲۷۹-۲۸۶.
۲۸. ر.ک: «نگاهی به شکل‌گیری پ.ک.ک»، در سایت: <http://www.aftab.ir/news>
۲۹. چنگیز پهلوان، همان، ص ۳۲.
۳۰. ر.ک: «نگاهی به شکل‌گیری پ.ک.ک»، همان؛ همچنین مقایسه کنید با: Graham fuller, Geopolitics of Turkey, press, santa monica, CA: Rand, 1993. p. 50.
۳۱. ر.ک: «پژاک و مناقشات بین‌المللی پیرامون پ.ک.ک»، در سایت: <http://www.mianeh.net>
۳۲. ر.ک: «تحلیل روزنامه ترک در مورد موقعیت ایران و ترکیه در برابر پ.ک.ک»، در سایت: <http://www.ainanews.com>
۳۳. ر.ک: ناصرتقنی عامری، «عراق جدید: تغییرات ژئوپلیتیک» مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تحولات عراق و چشم‌انداز امنیت منطقه‌ای، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳۴. اکونومیست، همان.
۳۵. ر.ک: «بحران در روابط ترکیه و عراق بر سر پ.ک.ک»، همان.
۳۶. منبع شماره ۳۴.